فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۳۷۷۲
شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۹
۱۵ رمضان ۱۴۴۱
۹ می ۲۰۲۰
شماره ۳۰۳۴
| Sat | 9 May 2020 | vol.10 |
No. 3034 | 16 Pages

رفیعی: حق با پرسپولیس است، فیفا به آنها زمان می‌دهد

برانکو: هر روز یک مدیر جدید تماس می‌گیرد تا پولم را ندهد!

اسکوچیچ: با تمام قلبم به موفقیت با تیم ملی ایمان دارم

منتقدان می‌خواهند جایم را بگیرند!

متفاوت بازی می‌کنیم؛ نه مثل تیم ویلموتس نه مانند دوران کی‌روش

سرخاب: مدیران فقط پیشکسوتان پایتخت‌نشین را ملاقات می‌کنند

دیگران لذت زحمات‌مان را می‌برند ولی تاریخ استقلال را ما نوشتیم

سرپرست تیراندازی دانشگاه آزاد اسلامی:

می‌توان مسابقات را در شهرهای سفید برگزار کرد

مصاحبه اختصاصی «فرهیختگان» با مدافع و مربی پیشین آرسنال

رایس: صدای همه درآمده، فوتبال باید شروع شود

با ادامه این وضعیت باشگاه‌های بزرگ انگلیس ورشکست خواهند شد

بابک سرانی‌آذر
مترجم

پاتریک جیمز رایس، متولد ۱۹۴۹ در ایرلندشمالی و پیشکسوت فوتبال آرسنال در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۶ به‌عنوان مربی در تیم جوانان آرسنال فعالیت کرد. او سپس از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۲ دستیار مربی آرسنال بود. در سال ۲۰۱۳ برای پروسه درمان سرطان خود در بیمارستان بستری شد و پس از مبارزه‌ای سخت با موفقیت به خانه برگشت. او اکنون به‌عنوان مشاور در فصل نقل‌وانتقالات و سفیر آرسنال، فعالیت می‌کند. رایس بازیکن سابق و مربی فوتبال اهل ایرلندشمالی است. او سابقه بازی و مربیگری در تیم آرسنال را دارد. بعد از گذشت ۴۰ سال خدمت‌رسانی باشکوه به باشگاه، نه‌تنها ذره‌ای از علاقه رایس به آرسنال کم نشده است، بلکه هم‌اکنون با همان انرژی و اشتیاق سال‌های نخست، به فعالیت خود ادامه می‌دهد. پت، به‌عنوان یک کارآموز ۱۵ ساله در سال ۱۹۶۴ به آرسنال پیوست. وی در دوران بازیگری‌اش برای آرسنال، ۵۲۸ بار به‌میدان رفت، بدون شک او یکی از بهترین دفاع راست‌های تاریخ آرسنال محسوب می‌شود. پت رایس، دوران بازی خود را در واتفورد به‌پایان رساند و بعد از آن بار دیگر به باشگاهی که در آن اسطوره بود ملحق شد، اما این‌بار به‌عنوان یک مربی. دوره مربیگری پت از سال ۱۹۸۴ با تیم جوانان آرسنال شروع شد. ۱۲ سال در تیم جوانان فعالیت کرد و موفق به کسب دو جام حذفی برای جوانان شد. به‌جرات می‌توان گفت که بسیاری از ستاره‌های سال‌های بعدی آرسنال، از ثمره‌های همان حضور ۱۲ ساله رایس در تیم جوانان بوده است. در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان سرمربی‌موقت توانست در لیگ سه برد را برای تیم اصلی کسب کند تا اینکه آرسن ونگر عهده‌دار این مسئولیت بزرگ شد و پت در سمت دستیار ونگر قرارگرفت. پت رایس، متولد ایرلندشمالی است، ولی از زمان کودکی در هایبوری لندن زندگی کرده است. وی در دهه هفتاد ۴۹ بار برای تیم‌ملی کشورش بازی کرده است. رایس پذیرفت درباره سوژه مهم این روزهای فوتبال جهان یعنی تعطیلی مسابقات به‌خاطر کرونا، پاسخ چند سوال «فرهیختگان» را بدهد که در ادامه می‌خوانید.

III

به‌عنوان اولین سوال از شما می‌پرسیم آیا شرایط جدید در فوتبال دنیا اعمال خواهد شد؟

شرایط جدید شاید روی سکوها دیده شود، اما زمین‌فوتبال مثل همیشه خواهد بود. بحران ایجاد شده مثل یک داستان علمی و تخیلی جهان را تکان داد، اما دیگر واقعا بس است و صدای باشگاه‌ها درآمده و فوتبال باید شروع شود. می‌دانم که خطراتی در پی خواهد داشت، اما واقعاً باشگاه‌ها درحال نابودی هستند و من نگران آرسنال هستم. بسیاری از باشگاه‌های دنیا هیچ چشم‌اندازی ندارند و حامیان مالی خود را نیز از دست داده‌اند.

آیا تصور می‌کنید دولت بریتانیا در کنترل بحران ایجاد شده مقصر است؟

قطعاً همین‌طور است، آنها با مردم رودربایستی دارند از یک‌طرف نمی‌خواهند شکست اقتصادی بخورند و از طرف دیگر نمی‌خواهند مردم کمبودهای بهداشتی را حس کنند. وضعیت در بیمارستان‌های بریتانیا اصلاً جالب نیست و حاکمیت بریتانیا دست‌به‌دامن ثروتمندان و حتی فوتبالیست‌های ثروتمند شده است. می‌خواهم بدانم اگر خیریه‌ها نبودند و یا بازیکنان بزرگ فوتبال انگلیس نبودند، چه اتفاقی در بیمارستان‌های لندن یا منچستر رخ می‌داد؟

واکنش باشگاه‌های بزرگ انگلیس در قبال سکوت دولت بریتانیا چه بوده است؟

باشگاه‌های بزرگ به دولت رسماً اولتیماتوم دادند. اگر وضعیت به‌همین‌منوال پیش برود باشگاه‌های بزرگ لندن و چند شهر دیگر ورشکست خواهند شد و تمام کارکنان خود را اخراج خواهند کرد.

آیا این صحت دارد که تعداد زیادی از خبرنگاران هم بیکار شده‌اند؟

البته در همه اصناف در بریتانیا این مشکل به‌وجود آمده است و درمورد خبرنگاران می‌دانم که خیلی از آنها شغل خود را از دست داده‌اند. دولت بریتانیا به آنها ظلم می‌کند، لااقل اجازه بدهند خبرنگارها کار کنند. آنها حق دارند خبر تهیه کنند و واقعیت‌ها را بنویسند.

سرخاب در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: مدیران فقط پیشکسوتان پایتخت‌نشین را ملاقات می‌کنند

دیگران لذت زحمات‌مان را می‌برند، ولی تاریخ استقلال را ما نوشتیم

پرسپولیس فرزند اول آقایان است، استقلال فرزند ناخوانده!

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
روزنامه‌نگار

نسل دهه ۶۰ استقلال را باید نسل طلایی این تیم قلمداد کنیم؛ همان نسلی که یک عنوان قهرمانی و یک نایب‌قهرمانی آسیا را برای این تیم به ارمغان آورد و در تاریخ این باشگاه نام‌شان ماندگار شد. ازجمله این افراد، عباس سرخاب است که با گل‌ها و عملکرد درخشانش در آن سال‌ها به‌همراه صمد مرفاوی بیشترین نقش را در کسب عناوین تاریخی آبی‌ها ایفا کردند، این درحالی است که امروز از عباس سرخاب‌ها کمتر صحبت به‌میان می‌آید و اسطوره‌ها و پیشکسوتان تاریخی باشگاه استقلال آرام‌آرام نام‌شان در گردوغبار فراموشی خاطرات از یادها می‌رود. بعد از مدت‌ها به بهانه مسائل روز باشگاه استقلال به‌سراغ او رفته و البته کمی هم خاطره‌بازی کردیم. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با مهاجم سال‌های دور استقلال که ملقب به سرخاب ۳۰ ثانیه بود را در زیر می‌خوانید.

از شرایط استقلال شروع کنیم. وضعیت تیم در زمان حاضر را چطور می‌بینید؟

الان حواشی از درون استقلال به بیرون می‌آید! جنگ‌وجدال‌های زیادی هم وجود دارد و به‌نظر می‌رسد هیچ چیزی سر جایش نیست. درواقع مدیریت و کادر فنی و بازیکنان هیچ‌کدام در جایی که باید باشند نیستند. بازیکن برای دل خودش تصمیم می‌گیرد و مربی هم برای دل خودش امرونهی می‌کند و هر مدیری هم که می‌آید، می‌خواهد برای خودش ساختار جدید درست کند. همه‌نوع اشکالات هست. البته از قدیم هم وجود داشته، چراکه هر مدیری که می‌آید می‌خواهد از صفر شروع کند. نه چشم‌اندازی داریم و نه استراتژی که به‌طور مثال یک مدیر بنشیند و برای ۲۰ سال آینده این تیم برنامه‌ریزی کند. اگر هم یک مدیر برود، هیچ‌گاه مدیر جدید همان اهداف و برنامه‌ها را ادامه نمی‌دهد و کار را از صفر و چه‌بسا از زیر صفر شروع می‌کند، چون باید با بدهی‌های میلیاردی کار را آغاز کند. به‌نظرم باید اصول، چشم‌انداز و استراتژی را درست تعریف کرد و مسیر اصلی را پیدا کرد تا به موفقیت رسید. اما الان حواشی از دل استقلال پخش می‌شود و فقط هواداران اذیت می‌شوند.

چشم‌انداز استقلال با سعادتمند را چطور می‌بینید؟

از مدیر جدید استقلال چندان شناختی ندارم، چون از تهران و پایتخت دور هستم و آنها هم از پیشکسوتان‌شان خبر ندارند و فقط آنهایی را ملاقات می‌کنند که در تهران هستند و انگار پیشکسوتان شهرستانی امثال عباس سرخاب‌ها فراموش شده‌اند و این خیلی بد است. ما افتخارات زیادی برای استقلال آورده‌ایم و پرچم این تیم را در آسیا بالا بردیم و به‌خاطر زحماتی که با پیراهن آبی کشیده‌ایم، انتظار داریم حداقل با ما هم مشورت کنند، اما حداقل دوستان در بدنه مدیریتی باشگاه، خودشان را بهترین و بی‌نیاز از هرنوع مشاوره و همفکری می‌دانند.

همین داستان‌ها و بی‌ثباتی‌ها ۳۰ سال پیش هم وجود داشت، اما استقلال در آن زمان دوبار به فینال آسیا رسید و یک قهرمانی جام باشگاه‌ها را به‌دست آورد. تفاوت چیست که امروز حتی بعضا نمی‌تواند از گروهش هم صعود کند؟

آن زمان مدیران قوی در راس باشگاه بودند؛ افرادی مانند آقامحمدی، میرولد و ایروانی در هیات‌مدیره بودند و ازلحاظ اقتصادی، فنی و حتی سیاسی مدیرانی توانمند و بزرگ به‌شمار می‌رفتند، ضمن اینکه مدیریت باشگاه برعهده اولیایی بود که خودش یک فرد فوتبالی و فنی محسوب می‌شد. آنها یک استراتژی و چشم‌انداز ۵ساله تعریف کردند که بر اساس آن قهرمانی آسیا هم به‌دست آمد. در ادامه اما عمرشان کفاف نداد و به‌خاطر تغییرات دولت، در بدنه باشگاه هم تغییراتی به‌وجود آمد. برهمین اساس معتقدم نباید امور ورزشی را به مباحث سیاسی دخالت داد و همین‌طور می‌شود که بعد از ۳۰ سال به‌خاطر همین مسائل درحال درجا زدن هستیم. همواره در این سال‌ها وابسته به دولت بودیم و همین تغییرات دولتی و جابه‌جایی‌هایی که می‌شود، درنهایت هم این ناکامی‌ها را درپی دارد.

استقلال با شما به ستاره دوم رسید، این درحالی است که فصل بعدهم می‌توانست ستاره سوم را به‌راحتی کسب کند، اما در فینال و در ضربات پنالتی این مهم از دست رفت.

درست است، اما الان می‌توانیم ستاره‌های دیگری هم به‌دست بیاوریم و آن قدرت را داریم، چون ازلحاظ فنی بالاتر از سطح آسیا هستیم، ولی امکانات‌مان روی اصول نیست و برنامه‌ریزی درستی نداریم. یک عده دل‌هایشان کوچک است و به‌روز کار می‌کنند و نمی‌خواهند موفقیت بعدی‌ها را ببینند. برخی فقط منافع خودشان را می‌بینند و می‌خواهند اگر اتفاقی می‌افتد، به‌پای خودشان نوشته شود.

یک بحث هواداری هم وجود دارد که بر اساس آن گفته می‌شود استقلال در این سال‌های اخیر از ناحیه وزارت‌ورزش و دولت حسن روحانی متضرر شده و نسبت‌به دیگر تیم مطرح پایتخت به آبی‌ها کمتر توجه شده است!

خود ما هم وقتی برای دوستان پرسپولیسی کری می‌خوانیم، به آنها می‌گوییم تیم‌تان حکومتی است؛ یعنی دولت از شما حمایت می‌کند! نمی‌دانم گرایش دوستان در امور مملکت قرمز است یا خیر، فقط می‌دانم این سال‌ها در حق استقلال ظلم زیادی شده است. به‌نظر می‌رسد انگار برای آقایان، پرسپولیس فرزند اول خانواده است و استقلال فرزند چهارم یا پنجم و شاید فرزند ناخوانده! فعلا که سیستم سیاسی مملکت گرایش بیشتری به تیم پرسپولیس دارد تا نسبت به استقلال، ضمن اینکه همین وزارت را هم دولت روی کار آورده است.

الان به‌عنوان پیشکسوت استقلال هنوز در خاطر هواداران این تیم مانده‌اید و شما را در کوچه و خیابان

هنوز به لقب سرخاب ۳۰ ثانیه می‌شناسند؟

خیلی از هواداران هنوز هم به من لطف دارند. خیلی جاها می‌رویم و دوست نداریم شناخته شویم، اما ما را می‌شناسند و یک‌جاهایی هم برعکس، در هرصورت ما یک تاریخی را برای استقلال رقم زده‌ایم، اما غبار پیری هم روی چهره ما نشسته و شاید طبیعی باشد که هواداران نسل امروز نسبت‌به گذشته کمتر ما را به‌یاد بیاورند. قبل‌ترها اگر یک‌روز به استادیوم می‌آمدم ۵۰ هزار نفر بلند می‌شدند و عباس سرخاب را تشویق می‌کردند و برایم هورا می‌کشیدند، اما شاید امروز ۵۰ نفر هم بلند نشوند. این طبیعت روزگار است و نباید ناراحت شد و به‌دل گرفت. اتفاقا خیلی هم خوشحالم که یک ستاره برای استقلال آوردم، اما انگار لذت زحماتی را که ما کشیده‌ایم، دیگران می‌برند؛ نوش جان‌شان، اما تاریخ استقلال را ما نوشته‌ایم.

اسکوچیچ در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: با تمام قلبم به موفقیت با تیم‌ملی ایمان دارم

منتقدان می‌خواهند جایم را بگیرند!

■ متفاوت بازی می‌کنیم؛ نه مثل تیم ویلموتس نه‌مانند دوران کی‌روش ■

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
روزنامه‌نگار

دراگان اسکوچیچ کروات قبل از اینکه به‌طور رسمی کارش را در تیم‌ملی فوتبال ایران آغاز کند، تمامی فعالیت‌های ورزشی به‌خاطر شیوع ویروس کرونا تعطیل شد تا هنوز نیامده خانه‌نشین شود؛ خانه‌نشینی‌ای که به‌دنبالش شایعات زیادی به‌راه افتاد و اعلام شد فدراسیون به‌دنبال کنار گذاشتن او و استفاده از مربیان دیگری مثل استراماچونی است که البته مدیران مختلف فدراسیون هربار این شایعات را تکذیب کردند.

البته درباره سرمربی سابق استقلال باید گفت شایعات به‌موازات ایران در رسانه‌های ایتالیایی هم منتشر شد اما پرونده جایگزینی استراماچونی به‌جای اسکوچیچ در تیم‌ملی فوتبال ایران خیلی زود با «نه» استرا بسته شد. وکیل سرمربی سابق اینترمیلان و استقلال پیشنهاد ایران را تایید کرد، اما از رد آن توسط موکلش خبر داد. قطعا استراماچونی با درنظر گرفتن همه مشکلاتی که در باشگاه استقلال برای دریافت دستمزدش و تبعات تحریم بانکی ایران با آن مواجه شده بود، پیشنهاد مربیگری ایران را رد کرده است، اما برخی پاسخ منفی استرا به فدراسیون فوتبال ایران را جبران یک کار جوانمردانه عنوان می‌کنند. آن زمانی که استراماچونی استقلال و ایران را ترک کرد، برخی منابع خبری از مذاکره باشگاه استقلال با اسکوچیچ که آن زمان سرمربی تیم نفت‌آبادان بود خبر دادند، اما مربی کروات این پیشنهاد وسوسه‌انگیز را قبول نکرد و با انتشار پستی که حاوی عکسی از خودش و استراماچونی بود، نوشت: «امیدوارم استراماچونی خیلی زود به استقلال برگردد.» درواقع او فرصت‌طلبی نکرد تا مانع بسته‌شدن راه‌های بازگشت همکارش به ایران شود که البته دیگران این موانع را ایجاد کردند و استراماچونی دیگر برنگشت. حالا که استراماچونی پاسخ منفی به پیشنهاد فدراسیون فوتبال ایران داده، برخی با یادآوری اتفاقات آن زمان و جدایی مرد ایتالیایی، این تصمیم را نوعی جبران خوبی دراگان اسکوچیچ ازسوی استرا تفسیر و تعبیر می‌کنند.

قراردادی که الحاقیه دارد

ازسوی دیگر این روزها بحث دستمزد اسکو هم داغ است و هنوز مشخص نیست او ارزی و به دلار دستمزد می‌گیرد یا ریال. هرچند خودش در گذشته در گفت‌وگویی اعلام کرده بود این مساله بین او و فدراسیون فوتبال ایران خصوصی و محرمانه است و نمی‌خواهد درباره آن صحبت کند. البته اسکوچیچ تاکنون درباره ریالی‌بودن قراردادش با فدراسیون فوتبال سکوت کرده و آن را مساله‌ای شخصی دانسته اما شواهد حاکی از این است که او حقوقش را به‌صورت یورویی دریافت خواهد کرد.

گویا عدم اطلاع‌رسانی فدراسیون فوتبال برای سرمربی کروات تیم‌ملی تبدیل به دردسر بزرگی شده و سکوت طرفین نیز این موضوع را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

قراردادی که قرار بود الگوی سایر تیم‌ها باشد حالا به یک قرارداد مبهم تبدیل شده است.

در این بین نکته قابل‌توجه این است که در اواخر بهمن به مسئولان بخش‌های مختلف این فدراسیون ازجمله خزانه‌داری، بین‌الملل، سازمان تیم‌های ملی و همین‌طور کمیته تعیین وضعیت بر اضافه شدن الحاقیه‌ای به قرارداد اسکوچیچ دستور داده شده است که براساس آن، فیفا حقوق اسکوچیچ را پرداخت خواهد کرد. طبق این نامه، معادل یورویی حقوق او درصورت امکان از طریق فیفا به‌حساب ارزی اسکوچیچ در کرواسی واریز خواهد شد.

درواقع درصورتی که فدراسیون فوتبال پولی در فیفا داشته باشد، می‌تواند دستمزد سرمربی تیم‌ملی را با توجه به مشکلات بانکی مبنی‌بر نقل‌وانتقال پول با حساب‌های خارج از کشور حل کند.

ابراهیم شکوری، سرپرست سابق دبیرکل فدراسیون فوتبال نیز به این مساله واکنش نشان داد و در گفت‌وگو با برنامه رادیویی ورزش ایران اعلام کرد با توجه به اینکه قرارداد در زمان سرپرستی او منعقد شده است باید تاکید کنم قرارداد به ریال بسته شده و تنها به‌دنبال اضافه‌کردن یک متمم به قرارداد اسکوچیچ بوده تا مبلغ را به نرخ روز تبدیل و به وی پرداخت شود.»

اگر خودش تمایل داشت، از طریق فیفا قراردادش را ارزی پرداخت کنند.

قرارداد ریالی، پرداخت به یورو

برای پیگیری این ماجرا با یکی از نزدیکان اسکوچیچ نیز صحبت کردیم که وی درخصوص نوع دستمزد این مربی به خبرنگار ما گفت: «قرارداد دراگان ریالی است و این هم چیز جدیدی نیست، البته طبیعی است که موقع پرداخت به نرخ روز تبدیل به دلار یا یورو شده و به وی پرداخت شود.»

علوی: با اسکوچیچ در هماهنگی کامل هستیم

سخنگوی فدراسیون فوتبال درباره موضوعات مربوط به تیم‌ملی و برنامه‌های پیش‌رو دراین‌باره گفت: «دراگان اسکوچیچ در تماس مستمر و هماهنگی کامل با دبیرکل محترم فدراسیون فوتبال برنامه‌های مربوطه را پیش می‌برد. کادرفنی تیم‌ملی هم با حضور وحید هاشمیان و کریم باقری و دو دستیار دیگر فعالیت خواهند کرد. ذکر این نکته ضروری است که درباره موارد دیگر مطرح‌شده پیرامون تیم‌ملی هم اتفاق جدیدی رخ نداده و مطابق روند قبلی مباحث از طریق دبیرکل فدراسیون پیگیری می‌شود.»

اسکوچیچ: شایعات و انتقادها طبیعی است، می‌خواهند جایم را بگیرند

اتفاقاتی که در سطور بالا ذکر کردیم باعث شد سراغ سرمربی کروات تیم‌ملی که مدتی است سکوت پیشه کرده برویم و نظرش را درباره این مسائل بدانیم. گفت‌وگوی «فرهیختگان» را با دراگان اسکوچیچ در ادامه می‌خوانید.

در این مدت انتقادهای زیادی به فدراسیون فوتبال درخصوص انتخاب شما مطرح و شایعات زیادی هم دررابطه با شما و نیمکت تیم‌ملی فوتبال ایران منتشر شد. نام‌هایی مثل استراماچونی برای جانشینی شما مطرح شد که البته خودش این موضوع را تکذیب کرد. این شایعات شما را ناراحت و از هدف‌تان دور نمی‌کند؟

الان زمان کروناست و شیوع این بیماری همه فعالیت‌ها را تعطیل کرده است. ازسوی دیگر هیچ مسابقه‌ای برگزار نمی‌شود و وقتی چنین وضعیتی باشد طبیعتا خبری هم نخواهد بود، برای همین خیلی‌ها دنبال ساختن خبر هستند که بخش زیادی از این اخبار شایعه هستند و بخش دیگر هم انتقادها و این برای من امری طبیعی به‌شمار می‌رود.

چقدر امیدوارید که در پایان کار در تیم‌ملی فوتبال ایران درمقابل منتقدان روسفید باشید و با لبخند و احساس یک قهرمان کار شما در تیم‌ملی تمام شود؟

ابتدا باید عنوان کنم کسانی که انتقاد می‌کنند دنبال گرفتن جای من یا آوردن یک مربی دیگر به‌جای من هستند که این هم برای من عادی و طبیعی است. به این مسائل توجهی ندارم چون وقتی مسابقات شروع شود همه‌چیز دوباره سرجای خودش برمی‌گردد. ازسوی دیگر با تمام قلبم به موفقیت با تیم‌ملی ایمان دارم.

تیم‌های قبلی شما در ایران همواره هجومی و البته منطقی بازی کرده‌اند. برای تیم‌ملی بازی هجومی به سبک ویلموتس را انتخاب می‌کنید یا سبک دفاعی کی‌روش را؟

قرار نیست تیم‌ملی من مثل تیم کس دیگری بازی کند. مطمئنا تیم‌ملی متفاوت از سایر تیم‌ها ازجمله تیم‌ملی دوران ویلموتس بازی خواهد کرد و در وهله بعدی مطمئن باشید مثل زمان کی‌روش هم دفاعی بازی نخواهیم کرد.

برای اردوی بعدی تیم و انتخاب نفرات، باتجربه‌ها و قدیمی‌ترها را مدنظر دارید یا می‌خواهید به بازیکنان جدید و جوان‌ترها بیشتر بها دهید؟

شک نداشته باشید که ما از اولین کمپ تیم‌ملی و اولین روزی که تمرینات تیم‌ملی فوتبال ایران آغاز شود بهترین‌ها را به اردو دعوت می‌کنیم.

مطمئن باشیم در دوره شما لیست سیاهی در کار نیست؟

قطعا هیچ لیست سیاهی نداریم و بهترین‌های فوتبال ایران به اردو دعوت خواهند شد.

گزارش

گزارش «فرهیختگان» از آخرین وضعیت پرونده شکایت کروات‌ها از پرسپولیس

برانکو: خسته شدم، هرروز یک مدیر جدید تماس می‌گیرد تا پولم را ندهد!

رفیعی: حق با پرسپولیس است، فیفا به آنها زمان می‌دهد

آرش محمدی
روزنامه‌نگار

تعدد پرونده‌های حساس در باشگاه پرسپولیس که به‌نوعی از حدود یک‌سال قبل روند شکل‌گیری خود را در این باشگاه آغاز و تا به امروز هم ادامه پیدا کرده، باعث شده است که هواداران سرخ ندانند در این شرایط باید به کدام موضوع فکر کنند و خواسته‌شان از مدیران باشگاه براساس کدام اولویت باشد. شکایت‌های خارجی از پرسپولیس از سوی برانکو و دستیارانش و همچنین ماریو بودیمیر به صدور حکم رسیده که البته پرسپولیسی‌ها به آن اعتراض دارند، پرونده کالدرون هم به‌زودی از راه می‌رسد و البته نباید از بدهی به داخلی‌ها، تمدید قرارداد با ستاره‌ها، بدهی به آتیه، ریحان فیلم، شهرخودرو و... هم گذشت. در این بین هواداران پرسپولیس چند موضوع را برای خودشان در اولویت قرار داده‌اند. یکی از این موضوعات مهم به برانکو و دستیارانش بازمی‌گردد که سرخ‌ها معتقدند این مربی که هفت جام برای پرسپولیس آورده، نباید برای گرفتن حق و حقوقش این همه بازی داده شود و البته نگرانند که بدهی او و دستیارانش به کسر امتیاز یا محرومیت از نقل‌وانتقالات منجر شود. مدیران باشگاه البته تاکید کرده‌اند که خطری باشگاه را تهدید نمی‌کند و به‌قدر کافی فرصت دارند این پرونده را به‌تاخیر بیندازند. احتمالا قصدشان هم این است که تا زمان تهیه پول حتی به قیمت بیشتر شدن مبلغ بدهی‌ها کار را به‌تاخیر بیندازند.

پروفسور اعتقادی به زمان ندارد

با اینکه پرسپولیسی‌ها اعتقاد دارند با توجه به عدم ارسال مشروح حکم از سوی فیفا، زمان برای آنها جهت اعتراض به این حکم وجود دارد، اما برانکو و وکیلش موافق این ادعای سرخ‌ها نیستند و بر این باورند زمان همانی است که در رای صادرشده فیفا درج شده و با توجه به عدم پرداخت پول از سوی پرسپولیس و همچنین عدم اعتراض به این حکم، حالا باید سرخ‌ها منتظر عواقب این پرونده و جرایم احتمالی باشند. وکیل برانکو مطابق قانون از چند روز قبل از پایان مهلت پرسپولیس برای پرداخت بدهی برانکو و دستیارانش نامه‌هایی را خطاب به مدیران این باشگاه منتشر کرده بود.

برانکو: خسته‌ام کرده‌اند هر روز یک مدیر جدید تماس می‌گیرد!

اینکه برانکو در شرایط فعلی چه می‌گوید و قرار است چه رویکردی نسبت به سرخ‌ها داشته باشد برای اهالی رسانه و فوتبالی‌ها موضوع جذابی است. در این خصوص شنیده‌ایم برانکو اخیرا در صحبت با یکی از دوستانش در ایران گفته که دیگر هیچ کاری با پرونده پرسپولیس ندارد، حتی نمی‌داند مهلت این حکم چه زمانی به پایان رسیده است. وی تاکید کرده در این خصوص همه‌چیز را به وکیلش واگذار کرده است و نمی‌خواهد انرژی‌اش را روی این موضوع بگذارد، چراکه واقعا خسته‌اش کرده‌اند و هرروز یک مدیر جدید زنگ می‌زند و می‌خواهد با روش خودش با او توافق کند. البته در انتها همه آنها به یک جا می‌رسند، چون هدف همه آنها این است که بخش بزرگی از پول مربی کروات را ندهند! ظاهرا برانکو حتی از نزدیکان خودش در ایران هم خواسته دیگر درخصوص پرونده پرسپولیس با او صحبت نکنند، چراکه حتی خودش هم از سرنوشت این پرونده بی‌خبر است.

مشکل تفسیر حکم نبود، پول ۴ اعتراض را نداشتند

در این مدت مدیران پرسپولیس در هرتماسی که خبرنگاران برای پیگیری پرونده برانکو می‌گرفتند، به ذکر این نکته که تفسیر حکم به دست‌شان نرسیده، بسنده می‌کردند تا مجبور نشوند توضیح اضافه‌تری به رسانه‌ها بدهند، اما دیروز یکی از افراد نزدیک به باشگاه پرسپولیس به «فرهیختگان» گفت: «این اعتراض برای پرسپولیسی‌ها از لحاظ مالی بسیار سنگین درآمده و دلیلش هم این است که برانکو و دستیارانش به‌صورت جداگانه از پرسپولیس شکایت کرده‌اند و پرسپولیس برای اعتراض به این حکم‌ها باید چهارهزینه جداگانه پرداخت می‌کرد و خالی بودن خزانه باشگاه باعث شده آنها نتوانند این پول را به حساب فیفا واریز کنند و برای پرداخت این پول دست به دامن فیفا شوند که مبلغ این اعتراض‌ها را از درآمدشان بابت جام‌جهانی در فیفا کم کنند.» پیش‌تر از این نوشته بودیم که درمورد پرونده بودیمیر هم پرسپولیسی‌ها پول لازم برای واریز به حساب فیفا را از شخصی در خارج کشور قرض کرده و این قول را داده بودند که معادل ریالی آن را در کشور به حساب او واریز می‌کنند که البته این اتفاق هم ظاهرا هنوز رخ نداده است! حالا پولی که می‌توانست در فیفا حداقل شکایت بودیمیر و دستیاران برانکو را پوشش دهد، درحال خرج شدن برای موارد پیش‌پا افتاده است.

خردادماه علیه پرسپولیس حکم می‌آید؟!

موضوعی که از برانکو و دوستانش به گوش می‌رسد، این است که پرونده برای صدور حکم جدید به کمیته انضباطی فیفا ارسال شده است و باید مطابق روال عادی تا ۱۰، ۱۲ روز دیگر به صدور حکم جدید برسد. آن‌طور که شنیده می‌شود اگر فیفا زمان جدیدی برای اعتراض به حکم برانکو و دستیارانش به باشگاه پرسپولیس ندهد، نهایتا تا خردادماه حکم جدیدی علیه پرسپولیس صادر می‌شود که می‌تواند منجر به کسر امتیاز و بسته شدن پنجره‌های نقل‌وانتقالاتی این باشگاه شود. هرچند سرخ‌ها معتقدند مطابق قانون زمان لازم برای اعتراض به این پرونده را در اختیار دارند.

رفیعی: حق با پرسپولیس است فیفا به آنها زمان می‌دهد

در این بین صحبت‌های یک کارشناس حقوقی در زمینه فوتبال می‌تواند تا حد زیادی به هواداران سرخ کمک کند که آنها متوجه شوند حق با چه کسی است و درخصوص این پرونده برانکو و وکیلش درست می‌گویند یا پرسپولیس و مدیرانش. به‌همین منظور با غلامرضا رفیعی، کارشناس مسائل حقوقی فوتبال تماس گرفتیم. او در گفت‌وگویی کوتاه به «فرهیختگان» گفت: «اگر پرسپولیسی‌ها تقاضای تفسیر رای را از فیفا کرده‌اند و آنها اقدام به ارسال نکرده باشند، تا وقتی که تفسیر حکم به پرسپولیسی‌ها ابلاغ نشود زمان برای آنها محفوظ خواهد بود و سرخ‌ها می‌توانند بعد از دریافت تفسیر حکم از فیفا طبق زمان‌بندی اعلام‌شده به این حکم اعتراض کنند.» او ادامه داد: «البته پرسپولیسی‌ها باید حواس‌شان جمع باشد که مبادا این تفسیر حکم از طریق فکس، ایمیل یا هر آدرسی که می‌توان با آن مکاتبه کرد به باشگاه ارسال نشده باشد. حتی گاهی زمان تشکیل پرونده وکلایی حضور دارند که ایمیل خود را در پرونده درج می‌کنند و ممکن است در ادامه به هردلیلی با باشگاه قطع همکاری کنند، اما ارسال مکاتبات به ایمیل آن وکلا هم به‌منزله ابلاغ قانونی است.»

نظرات متفاوت بازیکنان درباره آغاز دوباره لیگ‌های خارجی

هراس بازگشت به فوتبال

سیامک خاجی
روزنامه‌نگار

هـواداران فوتبال این روزها اخبار مربوط به لیگ‌های معتبر اروپایی را دنبـال می‌کنند تا بالاخره بفهمند چه زمانی قرار اسـت این مسابقات از سر گرفته شود؛ از فشار اسپانسرها و خریداران حق پخش گرفته تا بحران مالی باشگاه‌ها و حتی تنها برای سرگرمی مردم. دلیل اصلی تلاش‌ها برای برگزاری ادامه لیگ‌ها هرچه باشد، هواداران برای آغاز دوباره بازی‌ها و لذت بردن از هیجان فوتبال لحظه‌شماری می‌کنند. حتی دولت بریتانیا هم گفته برای سرگرم شدن مردم که این روزها در خانه‌هایشان قرنطینه شده‌اند و افزایش انگیزه‌های آنها بهتر است لیگ برتر دوباره آغاز شود.

این اما یک‌سـوی ماجراست. در سوی دیگر افرادی هستند که باید خطر حضور در زمین مسابقه و احتمال ابتلا به کرونا را به‌جان بخرند تا این دیدارها انجام شود. طی روزهای اخیر که بحث پیگیری مسابقات جدی‌تر از قبل شده، نگرانی‌ها بابت خطرات احتمالی این کار افزایش پیدا کرده است. بازیکنان دوست ندارند خود و خانواده‌هایشان را در معرض خطر ویروس کرونا و حتی مرگ بر اثر این اپیدمی قرار دهند و از این مساله به‌شدت می‌ترسند.

انجام مسابقات دیوانگی است

جان اسـتونز، مدافع ملی‌پوش منچسترسیتی در این‌باره می‌گوید: «همه ما دوست داریم فوتبال دوباره آغاز شود. شاید خود من بیش از بقیه مشتاق این اتفاق باشم، اما دوست دارم این کار در زمان مناسـب و بدون هیچ‌گونه خطری رخ دهد. برای من به‌عنوان یک بازیکن، حضور هواداران در ورزشـگاه لذت دیگری دارد. آنها حالا مجبورند در خانه بازی‌ها را تماشا کنند و آن عشق و شور و هیجان در ورزشگاه‌ها دیده نمی‌شود.»

مانوئل لاتزینی، هافبک آرژانتینی وستهام اما کلا با ایده آغاز مسابقات مخالف اسـت و می‌گوید حاضر نیست در چنین شرایطی راهی زمین بازی شود: «از نظر من پیگیری لیگ برتر در چنین شرایطی دیوانگی است و تا زمانی که واکسنی برای این بیماری پیدا نشده، نباید فوتبال را آغاز کرد. اگر از من بپرسید، بی‌صبرانه مشتاق فوتبال بازی کردن هستم، اما مساله مهم حفظ سـلامت افراد است. من که در چنین شرایطی حاضر نیستم بازی کنم.»

آنتونیو رودیگر، مدافع چلسی نیز بر این عقیده است که بهتر اسـت مسابقات در این فصل تعطیل شود و با توجه به اینکه لیورپول فاصلـه زیادی با رقبا دارد، جام قهرمانی به این تیم داده شود. البته مشـکل اصلی در لیگ انگلیس مربوط به تعیین قهرمان نیست، بلکه بیشتر رقابت بر سر کسب سهمیه لیگ قهرمانان و همچنین فرار از سـقوط در انتهای جدول است که نمی‌توان فرمول منصفانه‌ای در این زمینه ارائه کرد. رودیگر می‌گوید: «به‌نظر من آنها می‌توانند جام قهرمانی را به لیورپول بدهند، چراکه فصلی فوق‌العاده را سپری کرده‌اند و مسـلما شایسته این عنوان هستند. قرمزها امتیازات زیادی جمع کرده‌اند و از همین حالا هم قهرمانی آنها تقریبا قطعی است و کسی شکی در این‌باره ندارد. درحالی که در بسیاری از نقاط دنیا مردم درحال مردن هستند، ما نباید این خطر را قبول کنیم که دوباره فوتبال را از سر بگیریم. این موضوع خطری جدی برای همه ما اسـت و من به‌شخصه با آن مخالفم. تنها درصورتی می‌توانیم این کار را انجام دهیم که از سوی مقامات به‌ما اطمینان داده شود که خطری ما را تهدید نمی‌کند. مسلما اگر قرار باشد لیگ دوباره برگزار شود و افراد بیشتری به کرونا مبتلا شوند، این کار اصلا منطقی نیست.»

از دست دادن مقطع حساس

با این حال بازیکنانی هم هسـتند که معتقدند سرنوشـت لیگ‌ها باید از طریق ورزشـی و با انجام مسـابقات مشخص شود و نمی‌توان آنها را نیمه کاره رها کرد. هوگو لوریس، کاپیتان تاتنهام یکی از آنهاست که شاید حضور این تیم در رده هشتم جدول و عدم حضور آنها در لیگ قهرمانان فصل بعد درصورت رتبه‌بندی تیم‌ها براساس جدول فعلی در حرف‌هایش بی‌تاثیر نباشد: «ما در شرایطی هستیم که همه دوست دارند بازی‌ها را برگزار کرده و تکلیف لیگ در زمین مشـخص شود. اینکه مسابقات نیمه کاره به‌پایان برسد، یک فاجعه است. لیورپولی‌ها در آستانه قهرمانی هستند و اینکه لیگ را تعطیل کنیم، به‌ضرر آنها نیز هست. به‌نظر در فاصله ۹ هفته مانده به پایان بازی‌ها نباید کارمان را نصفه رها کنیم. ما در برهه حساسی از فصل قرار داریم که می‌توان انتظار دیدارهایی پرهیجان و تماشایی را داشت. به‌همین دلیل کسی دوست ندارد چنین لذتی را از دست بدهد و مسابقات تعطیل شود.» مانوئل نویر، دروازه‌بان ملی‌پوش بایرن مونیخ نیز از زاویه‌ای دیگر به این موضوع نگاه کرده و معتقد است برگزاری ادامه لیگ مسئولیتی است که در این روزهای سـخت بردوش فوتبالیست‌ها قرار دارد و آنها باید الگوی جامعه خود باشند: «اگر این کار ممکن باشد، باید مسابقات را برگزار کنیم. این به سود همه ما است. همه مردم دنیا به ما نگاه می‌کنند و این مسـئولیت بزرگی برای همه ما است. البته باید تمام عواقب آن را هم درنظر بگیریم و درنهایت بهترین تصمیم برای این موضوع اتخاذ شود.»

باوجـود تمام ایـن اظهارنظرها درنهایـت این دولت‌ها و مسئولان برگزاری مسـابقات هستند که تصمیم نهایی را در این زمینه می‌گیرند. مسـائل مالی قطعا نقش مهمی در تصمیم‌گیری نهایی باشـگاه‌ها خواهد داشـت، اما درصورتی که این موضوع باعث بروز اتفاقاتی غیرقابل جبران شـود، عواقب آن نیز برای کشورها و فوتبال جبران‌ناپذیر خواهد بود.

مصاحبه روز

پودولسکی در گفت‌وگو با دیلی‌میل:

می‌خواهم با لباس آرسنال از فوتبال خداحافظی کنم

بابک سرانی‌آذر
مترجم

لوکاس پودولسـکی، بازیکـن ۳۴ ساله که سابقه درخشش در تیم‌های باشگاهی کلن، بایرن‌مونیخ و آرسنال به سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵، اینترمیلان، گالاتاسرای و آنتالیااسپور را دارد، اکنون امیدوار است فصل پایانی فوتبال حرفه‌ای خود را در لباس آرسنال تجربه کند و می‌گوید: «در تیم‌های بزرگی بازی کرده‌ام مثل بایرن‌مونیخ، اما در همه این سال‌ها یک تیم بود که آن را خانه خود می‌دانستم و نامش آرسنال بود، دوست دارم در آخرین فصل بازی خود با لباس آرسنال دیده شوم و در اوج با فوتبال خداحافظی کنم.» متن گفت‌وگوی وی با دیلی‌میل انگلیس را در ادامه می‌خوانید.

///

■ آیا این صحت دارد که برای بازگشت به آرسنال از طریق مدیر برنامه‌های خود وارد مذاکره شده‌ای؟

در این روزهای خاص البته مذاکره حرفه‌ای صورت نگرفت و تنها چند ایمیل ارسال شد، من به آنها گفتم که صادقانه دوست دارم به آرسنال برگردم حتی اگر به‌عنوان یک مربی در این باشگاه حاضر شوم، به‌هرحال آرسنال را خانه خود می‌دانم، اگر آخرین فصل بازی من در لباس آرسنال باشد عالی است، اما حتی حاضر هستم به‌عنوان یک مربی روزی بالاخره به آرسنال برگردم.

■ آیا مطمئن هستید که به فصل پایانی فوتبال خود نزدیک شده‌اید؟

البته که نه، هنوز انرژی کافی برای درخشش و انجام وظیفه در زمین فوتبال را در خود حس می‌کنم، هنوز می‌توانم بازیکن موثری برای تیم خود باشم، اما به‌هرحال ادامه حضور در فوتبال ترکیه و یا مذاکره با باشگاه‌های آمریکایی و چینی را جالب نمی‌دانم و دوست دارم بازهم در فوتبال حرفه‌ای اروپا بدرخشم.

■ چه عاملی در دنیای فوتبال وجود دارد که شما بازیکنان نمی‌خواهید از آن دل بکنید؟

مبارزه، حس خوب در میدان بودن، این برای زندگی هم معنای مهمی دارد، هر هفته برای کسب امتیاز بیشتر و از دست‌ندادن امتیازهای قبلی باید جنگید و اگر این جنگ به‌پایان برسد، زندگی دیگر معنایی ندارد. من هم دوست دارم حداقل برای دو فصل دیگر مبارزه کنم و اکنون برای فکر کردن به روزهای بعد از فوتبال، خیلی زود است.

■ درهرحال برنامه‌ای برای دوران بازنشستگی ندارید؟

من کار و تجارت خودم را دارم، نگران درآمد بعد از دوران بازیگری خود نیستم، احتمالا بیشتر به تجارت و مدیریت کارها فکر می‌کنم، از طرفی شاید به شهر خودم یعنی کلن آلمان برگردم و آنجا زندگی تازه‌ای را کلید بزنم، به لهستان هم فکر می‌کنم چراکه اصلیت من لهستانی است و دوست دارم برای فوتبال لهستان کاری انجام دهم.

کم شدن شانس رئالی شدن پوگبا

باشگاه رئال مادرید مدتی است نسبت به جذب پل پوگبا علاقه‌مند است و زین‌الدین زیـدان هم که بارهـا از هموطن خود تمجید کرده، تمایل زیادی دارد تا هافبک فرانسوی منچستریونایتد را در سانتیاگوبرنابئو و با پیراهن سفید مادریدی‌ها ببیند، اما به‌نظر می‌رسـد رئال توانایی جذب پوگبا در تابستان پیش‌رو را ندارد. روزنامه اسپانیایی «مارکا» چاپ مادرید اعلام کرد باشگاه رئال مادرید تمایل زیادی به جذب پوگبای ۲۷ ساله دارد، اما باتوجه به دستمزد درخواستی بالای این بازیکن و رقم مدنظر منچستریونایتد برای فروش این هافبک فرانسوی، کار مدیران این باشگاه اسپانیایی برای به‌خدمت گرفتن پوگبا در بحران اقتصادی کنونی درنتیجه شیوع ویروس کرونا، تقریبا غیرممکن می‌شود. گفته می‌شود باشگاه منچستریونایتد برای فروش پوگبا ۱۵۰ میلیون پوند (۱۷۶ میلیون یورو) می‌خواهد. اخیرا نشریه ایتالیایی «گاتزتادلواسپورت» چاپ میلان مدعی شده بود باشگاه اینتر خود را آماده رقابت با باشگاه‌هایی همچون یوونتوس و رئال مادرید برای جذب پل پوگبا می‌کند.

پیانیچ آماده حضور در بارسا

میرالـم پیانیـچ بـه پیشـنهاد بارسلونا پاسخ مثبت داده و توافقـی میـان بازیکن یوونتـوس و تیـم کاتالانـی به‌وجـود آمـده اسـت. هافبـک ۳۰ سـاله آمـاده اسـت تـا ایتالیـا را تـرک کنـد و آخریـن گام بـزرگ خـود را در دوران ورزشـی‌اش بـردارد. بازیکـن اهـل بوسـنی خـود را بـا روش بـازی بارسـا وفـق خواهـد داد و انتقالـش هزینـه زیـادی بـرای تیم کاتالانی نخواهد داشـت. اکنون تنها موافقت یوونتوس باقـی مانـده اسـت کـه می‌توانسـت فصـل گذشـته پیانیـچ را بفروشـد. تیـم ایتالیایـی ارزش هافبـک خـود را ۶۰ میلیـون یـورو قرار داد. بحـران ویروس کرونا موجب شـده باشـگاه بارسـلونا پیشـنهاد کمتری بدهد و با معاوضه بازیکن این جابه‌جایـی را ممکـن کنـد. یوونتـوس خواهـان آرتـور اسـت، امـا تیـم کاتالانـی ترجیـح می‌دهـد ایـوان راکیتیـچ و آرتورو ویدال را پیشـنهاد دهـد. ارزش هافبک کروات کمتر از پیانیچ اسـت. از طرفی بارسـا می‌تواند نلسـون سـمدو و کارلس آلنیـا را هـم پیشـنهاد دهد.

مذاکره سرمربی لایپزیگ با میلان

رسانه‌های ایتالیایی مدتی است از توافق ایوان گازیدیس، مدیر اجرایی باشگاه میلان با رالف رانگنیک، سـرمربی پیشین تیم فوتبال لایپزیگ خبر می‌دهند و گفته می‌شود این سرمربی آلمانی در پایان فصل جاری جانشین استفانو پیولی در میلان خواهد شد. رانگنیک ۶۱ ساله که سرمربی تیم‌هایی همچون هانوفر، شالکه و هوفنهایم بوده و آخرین تجربه سرمربیگری‌اش هم به سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ در تیم لایپزیگ بازمی‌گردد، در گفت‌وگو با نشریه آلمانی «بیلد» ضمن تایید مذاکره با مسـئولان باشگاه میلان گفت: «نمی‌توانم این بحث را که گفته می‌شود من مذاکراتی با میلان داشته‌ام کاملا رد کنم. میلان از من پرسیده که آیا حاضر به سرمربیگری هستم یا خیر. صحبت‌هایی هم با مدیر برنامه‌هایم در این مورد شده است.» وی افزود: «پس از مذاکراتی که با میلان داشتیم، ویروس کرونا شـیوع پیدا کرد و این مشکل جدی پدیدار شد. میلان و سری A درحال حاضر درگیر مساله دیگری هستند.»

منهای فوتبال

لغو لیگ ملت‌های والیبال ۲۰۲۰

رقابت‌های لیگ ملت‌های ۲۰۲۰ با تصمیم مسئولان برگزاری مسابقات FIVB، لغو شد. پس از تصمیم مسئولان برگزاری مسابقات فدراسیون جهانی والیبال، لیگ ملت‌های ۲۰۲۰ که به‌دلیل شیوع ویروس کرونا به‌زمان دیگری موکول شده بود، با تصمیم جمعی مسئولان به‌طور کامل لغو شد. البته فعلا این تصمیم به‌صورت رسمی اعلام نشده اما با این حال تعطیلی این رقابت‌ها قطعی است. به این ترتیب والیبال جهان در سال ۲۰۲۰ مسابقات بین‌المللی خاصی نخواهد داشت.

داورزنی: ولاسکو جزء گزینه‌های ماست

محمدرضا داورزنی، رئیس فدراسیون والیبال در گفت‌وگو با برنامه «ورزش و مردم» درباره گزینه آینده مربیگری تیم ملی والیبال با توجه به فاصله یک ساله تا المپیک گفت: «درحال بررسی این موضوع هستیم که آیا می‌توانیم با اضافه کردن یک مربی طراز اول به تیم ملی والیبال، کسانی که سابقه حضور چندین دوره در المپیک و قهرمانی جهان را داشته باشند، ضریب موفقیت‌مان را در المپیک افزایش دهیم. همه می‌دانند که قضیه رده‌های نوجوانان و جوانان با حضور در المپیک خیلی فرق می‌کند. از طرفی هم مربیگری در لیگ با مربیگری در المپیک متفاوت است.» وی افزود: «یکی از افراد مدنظر ما ولاسکوست که برای مـردم ما جذابیت خاص خودش را دارد و مردم حس خوبی به او و نتایجی که با تیم ملی گرفت، دارند. ولاسکو مسئولیتی در تیم‌های پایه ایتالیا دارد. البته الان به‌خاطر کرونا همه فعالیت‌ها در همه دنیا متوقف است. ولاسکو هم یکی از گزینه‌هایی است که مدنظر ماست ولی باید ببینیم می‌توانیم با او همکاری کنیم یا نه و شرایطش را بررسی کنیم.» رئیس فدراسیون والیبال در مورد نگرانی اهالی والیبال درباره برگزاری لیگ برتر که شرایط خوبی ندارد، اظهار کرد: «به احتمال بسیار زیاد شهریورماه لیگ امسال را شروع خواهیم کرد. اصلاحاتی را هم در آیین‌نامه لیگ انجام دادیم و همه تیم‌ها باید در فرآیند کسب سهمیه و صعود از مرحله قبل قرار بگیرند. ما با ۸ یا ۱۰ تیم هم لیگ برتر را برگزار می‌کنیم و سعی می‌کنیم با برنامه‌ریزی بهتر به لیگ ارزش بدهیم.»

گفت‌وگو

آرش محمدی
روزنامه‌نگار

سرپرست تیراندازی دانشگاه آزاد اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: یک بازی تا لیگ برتری شدن فاصله داریم

می‌توان مسابقات را در شهرهای سفید برگزار کرد

با اعلام وضعیت سفید در بسیاری از شهرهای کشور، ستاد مبارزه با کرونا در ورزش برگزاری برخی رشته‌های ورزشی را در این شهرها بـدون مانع اعلام کرد و حالا باید رفته‌رفته منتظر از سـرگیری مسابقات ورزشی البته به‌ترتیب اولویت کم‌خطر بودن و پلکانی باشـیم. درمیان رشته‌هایی که برای استارت‌زدن در شهرهای سفید مانعی ندارند، تیراندازی هم وجود دارد که در فصل جاری رقابت‌های لیگ یک آن دانشگاه آزاد اسلامی هم تیمداری کرده و حالا منتظر است با شروع رقابت‌ها، شرایط حضور در لیگ برتر را برای خود مسجل کند. برای آگاهی از شرایط ورزشکاران این رشته در دانشگاه آزاد اسلامی با مریم السادات احمدی، سرپرست تیراندازی این تیم صحبت کردیم که ماحصل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

///

در روزهای قرنطینه اکثر رشته‌های ورزشی به‌دلیل شرایط خاص خود از خانه‌نشینی و نداشتن تمرینات حرفه‌ای گلایه داشتند. وضعیت تیراندازی چگونه است؟

خب ما هم مثل تمام رشته‌های ورزشی تمرینات تیمی را تعطیل کرده‌ایم و ورزشکاران ما هم با تیراندازی شبیه‌سازی‌شده در منزل کار خودشان را دنبال می‌کنند تا از آمادگی لازم دور نمانند. البته این شلیک بدون تیر است و ورزشکاران به‌راحتی می‌توانند در خانه این تمرینات را انجام دهند.

این تمرینات می‌تواند جایگزین تمرینات اصلی با تیر شود و اصلا کمکی به ورزشکاران این رشته می‌کند؟

خب یک سری دستگاه‌های اسکات وجود دارد که کاملا شرایط تیراندازی را برای یک ورزشکار تداعی می‌کند. یعنی شلیک و چکاندن ماشه بدون ساچمه انجام می‌شود که البته می‌تواند فرکانس‌های حرکت دست را به ورزشکار نشان دهد و از این جهت می‌تواند تمریناتی خوب برای یک تیرانداز باشد.

تنها تمرینی که یک ورزشکار تیراندازی می‌تواند در خانه انجام دهد همین است؟

خیر، قطعا آنها تمرینات بدنسازی و همچنین تاکتیک و تکنیک را هـم مرور می‌کنند. البتـه این را هم بگویم که حتی در زمان تمرینات تیمی، تیراندازی بدون ساچمه یکی از تمرینات اصلی تیم‌ها به شمار می‌رود.

با توجه به اینکه در ورزش تیراندازی ورزشـکاران چندان با یکدیگر سـروکار ندارند، فکر نمی‌کنید بتوان به آنها مجوز شروع تمرینات را داد؟

در سالن‌های تیراندازی فاصله بین خط‌ها زیاد نیست و حدود ۷۰ سانت ورزشکاران با یکدیگر فاصله دارند که نمی‌تواند برای جلوگیری از شیوع ویروس چندان موثر باشد. این را هم باید بگویم که نفسگیری‌های عمیقی که ورزشکاران این رشته باید انجام بدهند، خطر انتقال ویروس را بیشتر می‌کند و احساس من این است که عدم‌صدور مجوز شروع تمرینات کاملا درست است.

اما برای این مشـکلات می‌توان تمهیداتی اندیشید، مثل یکی درمیان کردن خطوط و...؟

این هم حرف درستی است اما فعلا مسئولان معتقدند رشته‌هایی مثل تیراندازی و تنیس روی میز که ورزشکاران ارتباط کمتری با یکدیگر دارند تنها در شهرهای سفید از لحاظ شیوع ویروس کرونا می‌توانند فعالیت خود را از سـر بگیرند و ما هم تابع این تصمیم هستیم.

شما هدفی ندارید که ورزشکاران‌تان را برای اردو به یکی از این شهرهای سفید برده و تمرینات را جدی‌تر پشت‌سر بگذارید؟

خب فعلا که امکان انجام این کار وجود ندارد اما ورزشکاران ما کاملا حرفه‌ای هستند و مطمئنا می‌توانند در خانه تمرینات خود را طوری پیش ببرند که از آمادگی دور نمانند.

ظاهرا تنها یک بازی هم تا پایان رقابت‌های لیگ یک تیراندازی باقی مانده بود که رقابت‌ها به تعطیلی کشیده شد.

بله، ما آخرین هفته از رقابت‌ها را پیش‌رو داشتیم و می‌توانستیم با یک پیروزی حتی شانس قهرمانی لیگ یک کشور را داشته باشیم و البته صعودمان به لیگ برتر هم قطعی بود. این هم از بدشانسی ما بود که رقابت‌ها در این شرایط به تعطیلی کشیده شد و حالا منتظریم تصمیمات جدید برای ازسرگیری رقابت‌ها گرفته شود.

صحبتی درخصـوص برگزاری این یک هفته از رقابت‌ها در شهرهای سفید با شما نشده است؟

واقعیت این است که من شنیده‌ام بسیاری از رشته‌های ورزشی، مسـابقات فصل خود را در این گونه شهرها به پایان رسانده و تکلیف قهرمان و... را مشخص کرده‌اند. اما در تیراندازی هنوز چنین امکانی به‌وجود نیامده است و فدراسیون تصمیمی برای برگزاری رقابت‌ها در شهرهای دیگر ندارد.

کارت و بـرگ سـبز موتورسـیکلت آزمـا ۱۲۵cc مـدل ۹۲ بـه رنـگ نقـره‌ای به‌شـماره موتـور ۱۲۴NBD۵۰۲۲۸۸ و بـه شـماره تنـه ۱۲۵C۹۲۰۱۶۴۴ و بـه شـماره پـلاک ۴۱۲۷۲ - ۸۵۱ بـه نـام شـهرام سـواری مفقـود و از درجـه اعتبـار سـاقط می‌باشـد.

✦✦✦

سـند، بـرگ سـبز و پـلاک خـودرو کامیـون کشـنده مـدل ۸۵ بـه رنـگ سـفید روغنـی بـه شـماره موتـور ۵۶۳۹۳۶ و بـه شـماره شاسـی NADAN۶۰D۴۶T۸۶۶۹۹۸ و بـه شـماره پـلاک ۲۴ - ۶۴۴ ع ۴۴ بـه نـام سـعید زرگانـی مفقـود و از درجـه اعتبـار سـاقط می‌باشـد.

✦✦✦

مـدرک فارغ‌التحصیلـی اینجانـب ذکریـا نـوری فرزنـد علـی بـه شـماره شناسـنامه ۴۸۱ صـادره از سـاوه در مقطـع کارشناسـی رشـته متالـوژی صـادره از دانشـگاه آزاد اسـلامی واحـد سـاوه مفقـود گردیـده و فاقـد اعتبـار می‌باشـد.

از یابنـده تقاضـا می‌شـود اصـل مـدرک را بـه دانشـگاه آزاد اسـلامی واحـد سـاوه بـه نشـانی کیلومتـر ۴ جـاده نورعلی‌بیـک، شـهرک دانشـگاهی خاتم‌الانبیـاء بـه صنـدوق پسـتی ۳۶۶-۳۹۱۸۷ ارسـال نمایـد.

✦✦✦

سـند کمپانـی خـودرو پرایـد ۱۳۱SE مـدل ۹۶ بـه رنـگ سـفید - روغنـی بـه شـماره موتـور M۱۳/۵۸۲۷۰۶۵ و بـه شـماره شاسـی NAS۴۱۱۱۰۰H۱۳۰۵۷۳۰ و بـه شـماره پـلاک ۱۴ - ۳۸۵ ن ۸۷ بـه نـام حمـزه یوسـفی مفقـود و از درجـه اعتبـار سـاقط می‌باشـد.

✦✦✦

بـرگ سـبز و شناسـنامه خـودرو سـواری سیسـتم: سـایپا تیـپ : ۱۳۱SE رنـگ: نـوک مـدادی- متالیـک مـدل: ۱۳۹۵ بـه شـماره انتظامـی ایـران ۸۴ / ۴۵۹ ب ۷۳ شـماره موتـور: M۱۳/۵۷۰۰۱۴۲ شـماره شاسـی: NAS۴۱۱۱۰۰G۳۶۰۶۹۲۹ بـه مالکیـت خانـم نازیـلا شـهابی بـه کـد ملـی ۱۸۱۹۶۴۷۷۸۱ مفقـود گردیـده و از درجـه اعتبـار سـاقط می‌باشـد.

✦✦✦

آگهی مفقودی اسناد فروش خودرو

اینجانـب دانشـگاه آزاد اسـلامی مراغـه مالـک خـودرو بـه شـماره شـهربانی ۲۵- ۳۸۴ ب ۲۱ و شـماره شاسـی NAAM۱۱CA۸CR۹۰۴۹۹۳ و شـماره موتـور ۱۲۴K۰۰۱۳۲۸۳ بـه علـت فقـدان اسـناد فـروش، تقاضـای رونوشـت المثنـی اسـناد مذکـور را نمـوده اسـت. لـذا چنانچـه هرکـس ادعایـی در مـورد خـودروی مذکـور دارد ظـرف ۱۰ روز بـه دفتـر حقوقـی شـرکت ایران‌خـودرو واقـع در کیلومتـر ۱۴ جـاده مخصـوص تهـران کـرج، شـهرک پیکان‌شـهر، سـاختمان سـهند، طبقـه ۱ مراجعـه نماینـد. بدیهـی اسـت پـس از انقضـای مهلـت مزبـور طبـق ضوابـط و مقـررات اقـدام خواهـد شـد.

روابط‌عمومی دانشگاه آزاد اسلامی مراغه

✦✦✦

آگهی ابلاغ و احضار

آقـای مصیـب محمـدی فرزنـد فلامـرز بـه شـماره شناسـنامه ۱۳۱۷۱ صـادره مسجدسـلیمان همسـر شـما برابـر دادنامـه بـه شـماره بایگانـی پرونـده ۹۸۰۰۵۴ شـعبه اول دادگاه مسجدسـلیمان تقاضـای ثبـت طـلاق نمـوده لـذا بـه مـدت ۱۰ روز پـس از انتشـار ایـن آگهـی در دفترخانـه بـه آدرس: مسجدسـلیمان، خیابـان آزادی، پشـت بیمـه مرکـزی ایـران حاضـر و الا اقـدام بـه ثبـت خواهـد شـد و اعتـراض بعـدی مسـموع نخواهـد شـد.

محمدامیـن شـیردل- سـردفتر طـلاق ۴۶ مسجدسـلیمان

✦✦✦